

تأثیر عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی بر جبهه مقاومت

احمد زارعان^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۲، پیاپی ۷۸، تابستان ۱۳۹۸؛ صفحات ۱۶۴ - ۱۳۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۱۰

چکیده

عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در دو سال اخیر گام‌های مهمی را در مسیر عادی‌سازی روابط با یکدیگر برداشته‌اند. از آنجا که این دو کشور، دشمنان منطقه‌ای جبهه مقاومت محسوب می‌شوند همگرایی منطقه‌ای و همکاری‌های استراتژیک آنها تهدیدها و فرصت‌هایی را برای ایران ایجاد می‌کند. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری داده‌ها و روش توصیفی - تحلیلی در تحلیل یافته‌ها به دنبال پاسخ به این سؤال است که «تهدیدها و فرصت‌های عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی برای جبهه مقاومت چیست؟» نتایج این مقاله نشان می‌دهد اگر چه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی برای دولت‌های عربی و اسلامی دارای هزینه می‌باشد و این هزینه برای سعودی‌ها به دلیل وجود حرمین شریفین در این کشور بیشتر است تمایل عربستان برای نزدیکی و بهبود روابط با رژیم صهیونیستی ناشی از تلاش این کشور برای تغییر موازنه قدرت در منطقه به نفع خود و موازنه‌سازی در مقابل تهدیدها می‌باشد. افزایش ضریب تهدید علیه جبهه مقاومت، افزایش سطح منازعه به دلیل ناتوانی عربستان و رژیم صهیونیستی در مدیریت منازعه و سرعت گرفتن روند سازش سه تهدید عمده‌ای هستند که عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی برای جبهه مقاومت به وجود آورده است. در مقابل، افزایش نفوذ گفتمان مقاومت در جهان اسلام به عنوان تنها راه حل مسئله فلسطین، همگرایی بیشتر جبهه مقاومت و جنبش‌های مقاومت فلسطینی و بطلان اتهامات وارد شده به جبهه مقاومت در خصوص طایفه‌گرایی فرصت‌های جبهه مقاومت در این روند هستند.

واژگان کلیدی

عربستان، رژیم صهیونیستی، جبهه مقاومت، موازنه قدرت، موازنه تهدید

۱. دکتری جامعه‌شناسی، مدرس و پژوهشگر دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع) WWW.AHMADZAREAN.IR



۱. مقدمه

ویژگی‌ها و ظرفیت‌های متراکم استراتژیکی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاورمیانه، این منطقه را به یکی از پرآشوب‌ترین و بحران‌خیزترین مناطق جهان تبدیل کرده است. بحران‌هایی که در سطح فروملی، ملی و فراملی یکی پس از دیگری در خاورمیانه رخ می‌دهند چارچوب‌های قدرت و نظم‌های موجود و مستقر را به طور مستمر تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. مهم‌ترین حادثه‌ای که در دو دهه اخیر موازنه قدرت در منطقه را تحت تأثیر خود قرار داد سقوط صدام و رژیم بعث عراق در ابتدای سال ۲۰۰۳ بود. در پی این حادثه، علاوه بر این که بزرگترین تهدید و دشمن منطقه‌ای جبهه مقاومت نابود شد در عراق، دولتی هم سو با ایران روی کار آمد؛ شرایطی که قدرت منطقه‌ای مقاومت را به صورت چشمگیری افزایش داد. جنگ ۳۳ روزه، بحران سوریه، اعلام موجودیت داعش و اشغال بخش‌های بزرگی از سوریه و عراق توسط این سازمان تروریستی به همراه جنگ یمن، اقداماتی هستند که کشورهای رقیب یا متخاصم به منظور مهار ایران و کاهش نقش و نفوذ آن در منطقه طراحی و اجرا کرده‌اند.

پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه و تقویت این جنبش مقاومت در لبنان و منطقه، حفظ نظام سوریه و شکست تروریسم در عراق و سوریه، اقدامات کشورهایی مانند عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی برای مهار ایران و تضعیف محور مقاومت را بی‌اثر کرده است. از این رو، عربستان سعودی که در یک برزخ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک گرفتار شده است از سال ۲۰۱۵ تلاش کرد با ایجاد ائتلاف‌ها و اتحادهای جدید چندجانبه رسمی و غیررسمی تحت رهبری خود، قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش دهد. عربستان سعودی رهبری ائتلافی متشکل از برخی کشورهای عربی برای مشارکت در جنگ یمن را در مارس ۲۰۱۵ برعهده گرفت. متعاقب آن، در دسامبر ۲۰۱۵، «ائتلاف نظامی اسلامی برای جنگ علیه تروریسم» نیز با ابتکار عربستان و با حضور ۴۰ کشور تشکیل شد.

«ائتلاف ضد قطر» نیز با مشارکت تعدادی از کشورهای عربی برای تنبیه قطر و تغییر رفتار این کشور در ژوئن ۲۰۱۷ ایجاد شد (میلر، ۱۳۹۶).

رژیم پادشاهی عربستان سعودی در طول حیات خود همواره به قدرت‌های بزرگ استعماری وابسته بوده است. خاندان آل سعود به منظور حفظ قدرت ناگزیر از اتکا به قدرت‌های خارجی بوده است. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و آغاز دوران جنگ سرد، عربستان در بلوک آمریکا سازماندهی و از حمایت آن برخوردار شد. با این حال، علیرغم روابط استراتژیک عربستان سعودی با آمریکا خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یکی از موارد اختلافی این دو کشور، مسئله عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است. سعودی‌ها که خود را کلیددار کعبه و خادم حرمین شریفین می‌دانند به منظور حفظ موقعیت خود در جهان اسلام، حاضر به برقراری روابط آشکار آن هم در سطح استراتژیک با رژیم صهیونیستی نمی‌شدند. با این حال، طی دو سال اخیر و متعاقب تغییر کارگزاران سیاسی در عربستان و آمریکا از یک سو و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های صورت گرفته برای تغییر موازنه قدرت در منطقه و ناکارآمدی اتحادها و ائتلاف‌های موجود، سعودی‌ها سیاست‌ها و رویکردهای محافظه‌کارانه پیشین را کنار گذاشتند و روابط غیررسمی خود با صهیونیست‌ها را آشکارا افزایش دادند.

محمد بن سلمان در مصاحبه با نشریه آمریکایی آتلانتیک تلویحاً حاکمیت رژیم صهیونیستی بر اراضی اشغالی را به رسمیت شناخت و گفت: «به اعتقاد من تمام مردم در هر کجا که باشند حق دارند در کشور خود با صلح زندگی کنند. به نظر من فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها حق داشتن کشورهای خود را دارند». وی در پاسخ به این سؤال که آیا خصومت با ایران باعث نزدیکی عربستان و اسرائیل خواهد شد گفت: «اسرائیل نسبت به اندازه سرزمین خود اقتصاد بسیار بزرگ و رو به رشدی دارد و البته اگر صلح برقرار شود، بین اسرائیل و شورای همکاری



خلیج [فارس] زمینه‌های متعددی برای همکاری مشترک وجود خواهد داشت»
(بی‌بی‌سی فارسی (الف)، ۱۳۹۷).

سفر انور عشقی ژنرال بازنشسته اطلاعاتی رژیم سعودی به تل‌آویو و دیدار وی با برخی از مسئولان دیپلماتیک و اعضای کنیست در تابستان سال ۲۰۱۶، اولین سفر یک مقام ارشد سعودی به سرزمین‌های اشغالی بود. انور عشقی متولی پرونده عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود. بعد از این دیدار نیز ترکی فیصل رئیس سابق دستگاه اطلاعاتی سعودی با مسئولان رژیم صهیونیستی ملاقات کرد. حتی در تابستان سال ۲۰۱۷ یک سایت اسرائیلی از سفر محرمانه و مخفیانه محمد بن سلمان به فلسطین اشغالی خبر داد (ایسنا، ۱۳۹۶). گزارش‌هایی وجود دارد که بر اساس آن، بن سلمان در سفر به مصر با تعدادی از مقامات رژیم صهیونیستی به صورت مخفیانه دیدار کرده است. بازگشایی آسمان عربستان به روی پروازهایی که به مقصد فلسطین اشغالی سفر می‌کنند یکی دیگر از اقدامات اعتمادساز عربستان سعودی برای گرم شدن روابط با رژیم صهیونیستی است. انور عشقی در پاسخ به منتقدان این اقدام عربستان گفت «ما از تحریم ابلهانه به تحریم هوشمندانه روی آورده‌ایم» (ایرنا، ۱۳۹۶).

یووال اشتاینیتز وزیر انرژی رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با رادیوی ارتش این رژیم از وجود رابطه پنهانی بین عربستان و رژیم صهیونیستی خبر داد و گفت: «ما با بسیاری از کشورهای عرب و مسلمان روابطی داریم که در واقع تا حدی مخفیانه است و معمولاً این ما نیستیم که از این روابط شرمندیم. ... طرف مقابل است که علاقه دارد این روابط بی سر و صدا بماند. از نظر ما معمولاً مشکلی نیست اما ما به خواست طرف دیگر احترام می‌گذاریم چه عربستان سعودی باشد یا دیگر کشورهای عرب و اسلامی. بیشتر از این هم هست اما ما آن را محرمانه نگه می‌داریم» (فرارو، ۱۳۹۶).

عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی از تحولاتی است که

می‌تواند ساختار و روابط قدرت در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به این که عربستان و رژیم صهیونیستی هر دو از دشمنان منطقه‌ای جبهه مقاومت محسوب می‌شوند تقویت روابط این دو کشور و حرکت آن‌ها به سمت همکاری‌های استراتژیک، تهدیدهایی را برای جبهه مقاومت ایجاد خواهد کرد. از آنجا که هیچ تحولی فاقد عناصر فرصت‌آفرین نمی‌باشد، تمایل و تلاش سعودی‌ها و صهیونیست‌ها برای عادی‌سازی روابط با یکدیگر فرصت‌هایی را نیز برای جبهه مقاومت ایجاد خواهد کرد. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری داده‌ها و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در تحلیل یافته‌ها به دنبال پاسخ به این سؤال است که «تهدیدها و فرصت‌های عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی برای جبهه مقاومت چیست؟»

۲. مبانی نظری

نظریه اتحاد یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل است که به تشریح روابط میان دولت‌ها می‌پردازد و در تحلیل مسائل قرن بیستم و قرن بیست و یکم، موفق‌تر از سایر نظریه‌ها عمل کرده است. کارآمدی این نظریه کماکان حفظ شده است زیرا در حال حاضر، حتی ابرقدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده آمریکا نیز بدون اتحاد با سایر بازیگران، قادر به پیشبرد سیاست‌های خود نمی‌باشند. هر دو رهیافت آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در مورد اتحاد، نظریه‌پردازی کرده‌اند. رهیافت واقع‌گرایی و لیبرالیسم، اتحادها را از منظر اشتراک فرهنگی دولت‌ها، جنبه‌های ایدئولوژیک و مسائل اقتصادی مورد بررسی قرار داده است و نقش ایدئولوژی را در شکل‌گیری اتحادها برجسته کرده است. در مقابل، رهیافت واقع‌گرایی بر قدرت کشورها و تهدیدات خارجی متمرکز شده است (قوام و ایمانی، ۱۳۹۰: ۳۸ - ۳۷).

در یک تعریف عمومی، اتحاد را «نوعی رابطه خاص بین دولت‌ها برای دستیابی به اهداف مشخص» تعریف کرده‌اند اما در تعاریف اختصاصی‌تر، در مورد ماهیت، محتوا، اهداف و دلایل شکل‌گیری اتحاد و همچنین نوع و میزان



ارتباط بازیگران حاضر در اتحاد، اختلاف نظر وجود دارد (همان). جورج لیسکا اتحاد را «همکاری رسمی بین دو یا چند کشور علیه کشور ثالثی که تهدیدی برای آنها قلمداد می‌شود» تعریف کرده است (Liska, ۱۹۶۸: ۳). هالستی، هوپمن و سالیوان اتحادها را معاهده رسمی علنی یا محرمانه بین دو یا چند دولت در زمینه‌هایی که به مسائل امنیت ملی آنها مربوط است تعریف کرده‌اند (Holsti, ۱۹۷۳: ۴). استفن والت با تأکید بر این که اتحادها الزاماً رسمی نیستند و علاوه بر تعهدات رسمی، تعهدات غیررسمی را نیز شامل می‌شوند اتحاد را «آرایش رسمی یا غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت مستقل» تعریف کرده است (Walt, ۱۹۸۷: ۱۲).

در مورد اتحاد یک تعریف جامع و فراگیر وجود ندارد و اختلافات موجود بین این تعاریف عمدتاً به دلیل اختلاف درباره سه ویژگی «تعهد»، «هدف» و «ماهیت» اتحادها به وجود آمده است. میزان تعهد بازیگران حاضر در یک اتحاد، اهدافی که این بازیگران از مشارکت در اتحاد دنبال می‌کنند و ماهیت نظامی، امنیتی، اقتصادی یا ترکیبی اتحاد، باعث شکل‌گیری طیف وسیعی از اتحادها؛ از اتحادهای کاملاً محدود تا اتحادهای گسترده و همه‌جانبه می‌شود.

درباره اتحادها همواره دو سؤال اساسی مطرح است: چه عواملی باعث شکل‌گیری اتحادها می‌شوند و اتحادها پس از شکل‌گیری چگونه حفظ می‌شوند (Holsti, ۱۹۷۳: ۸۸). پایه شکل‌گیری هر اتحادی منافع مشترک است. همچنین شرط پایدار ماندن یک اتحاد، استمرار منافع مشترک در طول زمان است. این منافع می‌توانند سیاسی، اقتصادی، نظامی یا امنیتی باشند. نظریه پردازان اتحاد، دو عامل خارجی و داخلی را به عنوان انگیزه‌ها و دلایل یک دولت برای اتحاد با سایر دولت‌ها معرفی کرده‌اند. در بعد داخلی، بسیاری از اتحادها به‌ویژه در جهان سوم با هدف حفظ نظام سیاسی حاکم و محافظت از آن در مقابل مخالفان داخلی شکل می‌گیرد. جنگ داخلی، کودتا، جنبش‌های تجزیه‌طلب و غیره، عواملی

هستند که یک دولت را متقاعد می‌کند برای حفظ خود با دولت‌های دیگر متحد شود (قوام و ایمانی، ۱۳۹۰: ۵۴). در بعد انگیزه‌ها و اهداف خارجی اتحاد، نظریه‌های اتحاد عمدتاً حول محور دو نظریه «موازنه قدرت»^۱ و «موازنه تهدید»^۲ سازمان یافته‌اند. رئالیسم سنتی و نئورئالیسم ساختارگرا استدلال می‌کنند که ساختار دولت‌ها همواره به دنبال ایجاد موازنه در مقابل قدرت‌های دیگر هستند. در واقع، دولت‌ها در مقابل تهدیدات بالقوه ایجاد شده از سوی یک دولت قدرتمند، از طریق اتحاد با یکدیگر موازنه ایجاد می‌کنند. تغییر در میزان قدرت یا تهدید یک دولت، باعث شکل‌گیری اتحاد سایر دولت‌ها می‌شود (Mcclla, ۱۹۹۶: ۴۵۰).

الف) موازنه قدرت: هر گونه تلاش برای بر هم زدن موازنه قوا توسط یک دولت، باعث شکل‌گیری اتحاد در مقابل آن می‌شود. در چنین شرایطی، دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود در مقابل دولت‌هایی که به دنبال تغییر ساختار قدرت به نفع خود هستند متحد می‌شوند تا از این طریق، ثبات سیستم را حفظ کنند.

ب) موازنه تهدید: استفن والت معتقد است تهدیدات خارجی موجب شکل‌گیری اتحادها می‌شوند. از نظر او، اتحادها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف ایجاد موازنه تهدید شکل می‌گیرند نه موازنه قدرت. در واقع، زمانی چند دولت علیه یک دولت قوی متحد می‌شوند که دولت قوی تهدیدی جدی علیه آنان باشد. والت می‌گوید: «بر خلاف نظریه پردازان موازنه قوا، من معتقدم دولت‌ها در جهت موازنه علیه تهدید اقدام می‌کنند تا خود قدرت. بر این اساس، من تئوری موازنه تهدید را جایگزین بهتری در مقایسه با تئوری موازنه قوا می‌دانم... قدرت اگر چه عنصر مهمی است اما همه آن نیست. دقیق‌تر بگویم: دولت‌ها له یا علیه دولتی متحد می‌شوند که بزرگ‌ترین تهدید علیه آنان است» (Walt, ۱۹۸۷: ۲۱).

والت، تهدید خارجی را وابسته به چهار متغیر می‌داند: نزدیکی جغرافیایی، میزان قدرت و امکانات، توانایی تهاجمی، درک نیت متجاوز (Walt, ۱۹۸۵: ۹). از نظر او، در

۱. Balance Of Power
۲. Balance Of Threat



صورت یک‌سان بودن سایر عوامل، دولت‌های همسایه خطرناک‌تر از دولت‌های دور دست هستند. همچنین، دولت‌هایی که قابلیت نظامی بیشتری دارند از دولت‌هایی که قابلیت نظامی آن‌ها محدود به دفاع سرزمینی است خطرناک‌ترند. در نهایت، خطر دولت‌هایی که نیت تجاوزطلبانه آشکاری دارند از دولت‌هایی که صرفاً به دنبال حفظ وضع موجود هستند بیشتر است (Walt, ۲۰۱۰: ۱۱). اسنایدر، سه عامل «درجه تضاد منافع با دشمن»، «احتمال گرایش دشمن به حل منازعه از طریق زور» و «توانایی نظامی نسبی دولت و دشمنان آن» را در میزان و شدت تهدید مؤثر می‌داند (Snyder, ۱۹۹۷: ۳۵).

تهدید را «فقدان امنیت» تعریف کرده‌اند. برخی تهدیدها به دلیل آن که از طریق آن‌ها منفعت ارزشمندی در معرض خطر قرار گرفته است، عمیق‌ترند. بر اساس عمق تهدید یا میزان ارزشمندی منفعت موضوع تهدید برای یک بازیگر، می‌توان تهدیدها را طبقه‌بندی کرد: تهدیدات وجودی، تهدیدات حیاتی، تهدیدات مهم و تهدیدات حاشیه‌ای. از سوی دیگر، تهدیدات را می‌توان به تهدیدات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی - امنیتی تقسیم کرد. تهدیدات بر اساس ماهیت به سه گونه سخت (نظامی)، نیمه‌سخت (امنیتی و اقتصادی) و نرم (فرهنگی و هویتی) تقسیم می‌شوند.

تهدیدها در ابعاد ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی یا ترکیبی از این دو ظهور می‌کنند. در حالی که تهدیدات ژئوپلیتیکی بقای فیزیکی یک موجودیت سیاسی را به مخاطره می‌اندازند تهدیدات ایدئولوژیکی، ارزش‌هایی را که منبع قدرت و مشروعیت یک واحد سیاسی قلمداد می‌شوند را به چالش می‌کشند. از آنجا که خطر تهدیدات ترکیبی (ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی) بسیار زیاد است واحدهای سیاسی تمایل زیادی به ایجاد موازنه در مقابل این تهدیدها از طریق اتحادسازی و ائتلاف‌سازی دارند.





«برداشت تهدید»^۱ یکی دیگر از مفاهیمی است که نقش کلیدی در تبیین رفتار بازیگران بین‌المللی دارد. هر تهدید دارای دو بعد ذهنی و عینی است. درک ذهنی از یک تهدید ممکن است با واقعیت آن تهدید برابر نباشد به نحوی که برداشت یک بازیگر از تهدید، با انگیزه‌ها و اهداف معتبر نزد عامل تهدید منطبق نباشد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۳۱). اغلب رهبران بر اساس درک خاص خود از تهدیدات، تصمیم‌گیری و استراتژی‌هایی را برای مقابله با تهدید درک شده اتخاذ می‌کنند. هر چقدر فاصله موجود میان تهدید واقعی و برداشت از تهدید بیشتر باشد هزینه‌های یک بازیگر افزایش می‌یابد.

۳. علل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی

۳-۱. درک مشترک از تهدید

در حال حاضر، هم عربستان سعودی و هم رژیم صهیونیستی، جبهه مقاومت را بزرگ‌ترین دشمن خود می‌دانند. ترکی الفیصل شاهزاده سعودی و رئیس سابق سازمان اطلاعات این کشور، در اواخر آبان ۹۴ در مصاحبه با هآرتص ایران را دشمن مشترک عربستان و رژیم صهیونیستی معرفی کرد (هژبری، ۱۳۹۶). در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۷ گادی آیزنکات رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی در مصاحبه با پایگاه خبری سعودی «ایلاف» گفت: «عربستان سعودی و اسرائیل منافع مشترکی در ضدیت با ایران دارند. توافق کاملی میان ما و عربستان سعودی وجود دارد، حتی یک روز هم میان ما دشمنی نبوده و نه آنها با ما جنگیده‌اند و نه ما با آنها جنگیده‌ایم» (العالم، ۱۳۹۶). محمد بن سلمان در گفت‌وگو با هفته‌نامه آمریکایی تایم تأکید کرده است وجود دشمن مشترکی به نام ایران باعث همسوئی دو کشور شده است. وی اضافه کرد که علاوه بر وجود دشمن مشترک، به صورت بالقوه، حوزه‌های بسیاری برای همکاری اقتصادی عربستان و اسرائیل نیز وجود دارد (بی‌بی‌سی فارسی (ب)، ۱۳۹۷).





علی‌رغم آن که رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی روابط رسمی دیپلماتیک با یکدیگر ندارند، مقابله با قدرت و نفوذ رو به گسترش ایران در منطقه، مواضع و دغدغه‌های دو طرف را بیش از پیش به هم نزدیک کرده است. حضور مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین و افزایش نقش و نفوذ ایران در سوریه در خلال بحران این کشور، تهدیدات ژئوپلیتیکی را به تهدیدات ایدئولوژیکی ایران علیه رژیم صهیونیستی اضافه کرده است. حمایت ایران از جنبش بیداری اسلامی به همراه افزایش قدرت و نفوذ ایران در کشورهای عربی منطقه به‌ویژه یمن، عربستان را نیز در معرض تهدید ترکیبی ایران (ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی) قرار داده است. به این ترتیب، عربستان و رژیم صهیونیستی که خود را در معرض تهدید ترکیبی ایران می‌بینند و درک مشترکی از تهدید ایران دارند تلاش می‌کنند روابط خود را در چارچوب منافع مشترک تنظیم کنند.

۲-۳. نیاز به همکاری به دلیل احساس افزایش تهدید

طی سال‌های گذشته، عربستان و رژیم صهیونیستی، افزایش قدرت ایران را به معنای کاهش ضریب امنیتی خود و تشدید ناامنی و به خطر افتادن بقاء تفسیر کرده‌اند. انعقاد توافق‌نامه برجام، افزایش توان موشکی و تثبیت نظام سوریه و متعاقب آن تقویت حضور و نفوذ ایران در این کشور، برای بازیگرانی مانند عربستان و رژیم صهیونیستی به معنای تقویت قدرت منطقه‌ای ایران و افزایش تهدید می‌باشد (هژبری، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر، بعد از قیام‌هایی که در کشورهای عربی رخ داد، ماهیت تهدیدات در خاورمیانه تغییر پیدا کرد به طوری که این تهدیدات به طور مستقیم مشروعیت و ثبات سیاسی رژیم آل سعود را بیش از گذشته به چالش کشید. به همین دلیل، سعودی‌ها تلاش کردند بر راهبرد ایجاد موازنه علیه منبع تهدید که در چند دهه گذشته اتخاذ کرده بودند بیشتر متمرکز شوند و یارگیری‌های جدیدی را در سطح منطقه انجام دهند (همیانی، ۱۳۹۴: ۵۳). در یارگیری جدید،



سعودی‌ها علاقه بسیار زیادی دارند تا در مسیر دستیابی به اهداف خود از انگیزه‌ها و تمایلات ضد ایرانی صهیونیست‌ها استفاده کنند. بنابراین می‌توان گفت بعد از قیام‌های عربی، سعودی‌ها رویکرد محافظه‌کارانه خود در قبال رژیم صهیونیستی را کنار گذاشتند و با اتخاذ رویکرد عمل‌گرایانه‌تر و تهاجمی‌تر، به روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی سرعت دادند.

۳-۳. ایجاد موازنه علیه قدرت هژمون

سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ موازنه قدرت در منطقه را به نفع جبهه مقاومت تغییر داد. سقوط رژیم صدام بزرگترین چالش امنیتی ایران در منطقه را از بین برد و در ادامه، استقرار دولت جدید عراق با محوریت احزاب و جریان‌های عراقی متحدان ایران، فرصتی طلایی برای ایران برای افزایش عمق استراتژیک خود فراهم آورد (منوری و رستمی، ۱۳۹۶: ۱۸۹). بعدها مسئولان آمریکایی به اشتباه محاسباتی خود اعتراف و اذعان کردند که «در اشغال عراق، آمریکا عراق را در ظرفی از طلا به ایرانیان تقدیم کرد». پس از تشکیل دولت عراق در سال ۲۰۰۵ با محوریت شیعیان نزدیک به ایران، ملک عبدالله پادشاه اردن، نگرانی عمیق خود از قدرت‌یابی ایران در منطقه با ادعای شکل‌گیری هلال شیعی در منطقه با محوریت ایران ابراز کرد. رایج‌شدن استفاده از واژه هلال شیعی در ادبیات سیاسی در طی سال‌های گذشته، از نگرانی عمیق حکام رژیم‌های منطقه و قدرت‌های غربی از تغییر موازنه قدرت به نفع ایران حکایت دارد تا جایی که هنری کسینجر در سپتامبر ۲۰۱۴ گفت: «هم‌اکنون کمربندی شیعی از تهران به بغداد و از بغداد تا بیروت به وجود آمده است. این مسئله به ایران فرصت بازسازی و احیای امپراتوری سابق خود را با برچسب شیعه در خاورمیانه ای که در حال شکل‌گیری مجدد است، می‌دهد» (Kissinger, huffingtonpost, ۲۰۱۴).

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سقوط صدام و به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، رشد و قدرت‌یابی حزب‌الله در لبنان و پیروزی در جنگ ۳۳ روزه،





قدریت یابی انصارالله در یمن و مواردی از این دست، موجب شد اهل سنت از گسترش روزافزون قدرت شیعیان در مناطقی که به صورت تاریخی حوزه نفوذ و قدرت سنی‌ها بود، به شدت نگران شوند (۱۳: ۲۰۰۸، Luomi). اگر چه در این مورد، درک درستی از تهدید در میان اهل سنت شکل نگرفته اما این درک نادرست به مبنایی برای کنش‌های استراتژیک برخی از بازیگران تبدیل شده است. از سوی دیگر، تشکیل یک ائتلاف راهبردی قدرتمند و منسجم با محوریت ایران به نام محور مقاومت که به طور رسمی غیریت خود را رژیم صهیونیستی اعلام کرده است صهیونیست‌ها را در مورد تثبیت هژمونی ایران بر منطقه به شدت نگران کرده است. نگرانی مشترک سعودی‌ها و صهیونیست‌ها از سلطه ایران بر منطقه، آنان را به تشکیل یک اتحاد غیررسمی متمایل کرده است.

۳-۴. رویکرد غیرمتوازن آمریکا در منطقه

آمریکایی‌ها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در قامت پشتیبان و حامی کشورهای رقیب ایران در منطقه ظاهر شدند. رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، ترکیه، کشورهای حاشیه خلیج فارس و عراق در دوران صدام با اطمینان از این که در رقابت، تقابل و تخاصم با ایران، آمریکا و سایر کشورها از آن‌ها حمایت کرده و در کنار آنها خواهند ماند، رویکرد مخربی را علیه ایران در پیش گرفتند. «امیل ناخله» مدیر برنامه تحلیل استراتژیک اسلام سیاسی در سازمان سیا معتقد است «در اختلاف همیشگی شیعه و سنی یا ایران و عربستان سعودی، طرف یکی را گرفتن در بلند مدت مانعی بر سر راه حصول منافع امنیت ملی آمریکا و هم‌چنین منافع آن در جهان اسلام است. داشتن رویکردی متوازن در منطقه در قبال تمام کشورها بیش‌تر به نفع آمریکا خواهد بود. اگر سعودی‌ها، اسرائیلی‌ها، مصری‌ها و ترک‌ها می‌دانستند که آمریکا به طور مرتب با ایران حرف می‌زند و روابط نزدیک‌تر با تهران یک گزینه واقعی است، آن‌ها مجبور می‌شدند

تا خیلی جدی به این فکر کنند که چطور باید برای باقی ماندن در فضای لطف و محبت آمریکا تلاش کنند و چه کاری انجام دهند.» از نظر استفن والت «خاورمیانه اکنون بیش از هر زمان دیگری چند پاره است و این بدان معنی است که هدف آمریکا به راحتی قابل حصول است. بر همین اساس، آمریکا باید به سراغ کشورهای چون ایران برود، نه این که با عجله و عمیق تر از گذشته در کنار تل آویو، قاهره، ریاض و آنکارا بماند» (والت، ۱۳۹۶).

با روی کار آمدن ترامپ و اتکای او به قدرت لابی صهیونیستی و دلارهای سعودی از یک سو و اتخاذ رویکرد تقابلی با ایران و اقداماتی مانند خروج از برجام و فعال کردن ساز و کار اعمال تحریم های اقتصادی علیه ایران، فضای کنشگری برای عربستان و رژیم صهیونیستی در حوزه داخلی و خارجی فراخ تر شده است به نحوی که در سطح منطقه ای، عربستان و رژیم صهیونیستی با عادی سازی روابط، در حال سازماندهی بلوک قدرت جدیدی در منطقه علیه ایران هستند.

۳-۵. سیاست های خاورمیانه ای ترامپ

ریاست جمهوری ترامپ، فرصت کم نظیری را در اختیار سعودی ها قرار داد تا با اتکا به سیاست های خاورمیانه ای او، با رقیب قدرتمند خود در منطقه؛ یعنی ایران دست و پنجه نرم کنند. ترامپ با خروج از برجام و حمله هوایی به سوریه در دو مرحله، نشان داد رویکرد کاملاً متفاوتی را در مقایسه با اوباما در مورد مسائل خاورمیانه برگزیده است. از آنجا که رویکرد تهاجمی ضدایرانی ترامپ، مطلوب سعودی هاست آنها تلاش می کنند در سایر موارد مانند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و ایفای نقش کاتالیزور در روند سازش، رضایت و اعتماد ترامپ را جلب کنند.

ترامپ نقش مؤثری در نزدیک شدن عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی به یکدیگر داشته است. اولین سفر ترامپ پس از حضور در کاخ سفید به مقصد ریاض انجام شد؛ سفری که طی آن، قرارداد تسلیحاتی به ارزش صد میلیارد دلار

۴. بازنگری گروه (پنج به علاوه یک) در توافق هسته‌ای ایران برای تضمین اجرای دقیق و قاطعانه شرط‌های توافقنامه؛

۵. جلوگیری از دستیابی ایران به حساب‌های توقیف شده خود و بهره‌برداری از وضع وخیم اقتصادی در ایران برای تشدید فشارهای داخلی بر نظام ایران؛

۶. همکاری اطلاعاتی فشرده در رویارویی با جرائم سازمان‌یافته و قاچاق مواد مخدر که مورد حمایت ایران و حزب‌الله است (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶).

شواهدی وجود دارد که عربستان و رژیم صهیونیستی همکاری‌های امنیتی با یکدیگر را آغاز کرده‌اند و همکاری میان دستگاه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در سطح بسیار پیشرفته و گسترده جریان دارد. اگر چه مقامات سعودی به طور رسمی هرگونه همکاری با رژیم صهیونیستی را تکذیب می‌کنند، اما مقامات اطلاعاتی و امنیتی سعودی دست از محافظه‌کاری در خصوص افشای ارتباط مستقیم با صهیونیست‌ها برداشته‌اند. مایک پامپئو وزیر امور خارجه فعلی و رئیس سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در اوایل دسامبر سال ۲۰۱۷ اعلام کرده بود که «پادشاهی عربستان سعودی و کشورهای سنی‌مذهب دیگر به طور مستقیم با اسرائیل در زمینه مبارزه با تروریسم همکاری می‌کنند» (الوقت، ۱۳۹۶).

همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه به ویژه عربستان سعودی یا کشورهای همسایه ایران، عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی در منطقه را افزایش خواهد داد و امکان تحرک و نقش‌آفرینی این رژیم در محیط امنیتی خارج نزدیک ایران را فراهم خواهد کرد (اقتصادنیوز، ۱۳۹۶). عربستان سعودی در مقایسه با رژیم صهیونیستی از امکان تحرک بیشتری در جامعه ایران برخوردار است. زمینه‌های مشترک قومی (عربی) و مذهبی (اهل سنت) موجود میان بخشی از جامعه ایران و عربستان، به سعودی‌ها امکان تأثیرگذاری بر بخشی از جامعه ایران (هر چند محدود) را داده است. این ظرفیت در صورتی که تحت پوشش مطالبات قومی و مذهبی در اختیار رژیم صهیونیستی قرار گیرد تهدید

منجر خواهد شد. سعودی‌ها به دنبال همراهی با آمریکا در پروژه «صلح خاورمیانه» و افزایش نقش خود در این پروژه هستند. عربستان می‌خواهد با نقش‌آفرینی در روند سازش در پرونده فلسطین چهره‌ای مثبت و سازنده از خود به نمایش بگذارد. از این رو، سعودی‌ها از طریق تهدید و تطمیع، محمود عباس رییس تشکیلات خودگردان فلسطین برای پذیرش معامله قرن تحت فشار قرار داده‌اند (فرجی‌راد، ۱۳۹۶).

عادل الجبیر وزیر امور خارجه سابق عربستان سعودی در نامه‌ای محرمانه به محمد بن سلمان ولیعهد این کشور که محتوای آن توسط روزنامه الاخبار فاش شد، خواستار برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی در چارچوب توافق مشارکت راهبردی با آمریکا شده است. الجبیر با استناد به تأثیرگزاری زیاد عربستان بر جهان اسلام ادعا کرده در چارچوب توافق مشارکت راهبردی با آمریکا، دونالد ترامپ پذیرفته است هیچ راه‌حلی که از حمایت عربستان به عنوان قبله مسلمانان برخوردار نباشد مشروعیت پیدا نخواهد کرد. وی در ادامه ضمن اذعان به این واقعیت که برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی، موقعیت عربستان را در میان ملت‌های مسلمان به مخاطره می‌اندازد استدلال کرده است عربستان زمانی می‌تواند ریسک این رابطه را بپذیرد که از رویکرد صادقانه آمریکا ضد ایران اطمینان پیدا کند. الجبیر در این نامه پیشنهاد داد که سازمان ملل اداره شهر قدس را بر عهده گیرد و عربستان تلاش خود را برای اعطای اقامت (تابعیت) به آوارگان فلسطینی توسط کشورهای میزبان به منظور جلوگیری از بازگشت آنها به فلسطین اشغالی به کار بندد. همچنین عربستان سایر کشورهای عربی و اسلامی را برای رسیدن به راه‌حلی که آغازگر دوره جدیدی از صلح و شکوفایی میان این کشورها و رژیم صهیونیستی باشد ترغیب کند.

طرح الجبیر در مورد فلسطین، طرحی کاملاً یک طرفه به سود رژیم صهیونیستی می‌باشد. تأکید الجبیر مبنی بر ضرورت عادی‌سازی روابط با رژیم



صهیونیستی در چارچوب توافق مشارکت راهبردی با آمریکا نشان می‌دهد که دولت ترامپ عربستان را به برداشتن گام‌هایی در این رابطه ملزم کرده است. دیوید فریدمن سفیر جدید آمریکا در تل‌آویو، در اولین اظهار نظر خود بعد از تقدیم استوارنامه‌اش با اعلام این مطلب که «از اسرائیل خواسته نمی‌شود که هیچ گونه امتیازی به فلسطینی‌ها بدهد» طرح‌الجبیر را تأیید کرد. او در مصاحبه با روزنامه پرتیراژ «یسرائیل هیوم» تأکید کرد دولت ترامپ قصد ندارد موضعی اتخاذ کند که با طرح‌های رژیم صهیونیستی به‌ویژه در مسئله تعلیق شهرک‌سازی‌ها مغایر باشد. او اعلام کرد که سخنرانی ترامپ در سفر به سرزمین‌های اشغالی «بسیار ایجابی» خواهد بود و «اجازه نخواهد داد که هیچ فشاری به اسرائیل در هر گونه مذاکراتی در آینده وارد آید» و اگر مذاکراتی میان دو طرف صورت بگیرد بدون هر گونه پیش شرطی خواهد بود (هویدی، ۱۳۹۶).

۵. فرصت‌ها

تحولات و حوادثی که در سطح سیاسی و امنیتی رخ می‌دهند از قاعده «صفر یا یک» تبعیت نمی‌کنند. به عبارت دیگر، در دل هر یک از تحولاتی که در ظاهر تهدیدزا می‌باشند فرصت‌هایی نیز وجود دارد. به منظور کاهش هزینه ناشی از تهدیدها، باید از فرصت‌های موجود به درستی استفاده کرد. تلاش دولت‌های عربی به‌ویژه عربستان سعودی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، فرصت‌هایی نیز برای جبهه مقاومت و محور مقاومت به وجود آورده است که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۵-۱. تقویت جایگاه محور مقاومت در جهان اسلام

تلاش‌های صورت گرفته از سوی برخی کشورهای عربی و اسلامی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، مورد حمایت ملت‌های مسلمان نمی‌باشد. اگرچه حوادث و وقایعی که بعد از انقلاب‌های عربی رخ داد و با





بازیگردانی نظام سلطه و صهیونیسم بین‌الملل و حامیان منطقه‌ای آنها موجب بروز منازعات طایفی در برخی کشورهای اسلامی شد مسئله فلسطین را به حاشیه رانده است اما جهان اسلام کماکان به مسئله فلسطین حساسیت دارد. در صورتی که عربستان یا هر یک از کشورهای عربی و اسلامی از موضع خود در احقاق حقوق فلسطینی‌ها و آزادی قدس (حداقل بخش شرقی آن) عدول کنند، جایگاه جبهه مقاومت و محور مقاومت به عنوان جدی‌ترین و اصلی‌ترین قدرت طرفدار آرمان آزادی فلسطین از اشغال رژیم صهیونیستی، در جهان اسلام تقویت خواهد شد. در مقابل، اعتبار و مشروعیت عربستان و کشورهای حامی روند سازش با رژیم صهیونیستی نیز به شدت خدشه‌دار خواهد شد.

در شرایط کنونی، میزان سود و زیان دولت‌های منطقه و میزان قدرت آن‌ها در پیشبرد و تحقق اهداف‌شان به عوامل متعددی بستگی دارد. در حالی که محور سازش در منطقه به رهبری و بازیگردانی عربستان سعودی به دنبال تجمیع قدرت و همراه‌سازی دولت‌های منطقه است، محور مقاومت به رهبری ایران، در مسئله فلسطین از حمایت مردمی و وسیعی در سطح جهان اسلام برخوردار است؛ حمایتی که طرف مقابل، با وجود داشتن توانایی‌ها و ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی، از آن محروم است (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۶).

۲-۵. همگرایی بیشتر جبهه مقاومت و جنبش‌های مقاومت فلسطینی

تلاش عربستان سعودی برای اتحادسازی و ائتلاف‌سازی با هدف تغییر موازنه قدرت در منطقه، واکنش سایر بازیگران ذی‌نفع را به دنبال خواهد داشت. همان‌گونه که ائتلاف چندجانبه کشورهای عربی علیه قطر در ژوئن ۲۰۱۷ که با هدف تغییر رویکرد قطری‌ها در حمایت از جنبش اخوان‌المسلمین صورت گرفت^۱ به همگرایی بیشتر قطر و ترکیه و نزدیک شدن قطر به ایران منجر شد،

۱. علی‌رغم آن که در قطر جنبش اخوان‌المسلمین حضور مؤثر و فعالی ندارد، اما دولت قطر به صورت جدی از اخوان‌المسلمین حمایت می‌کند. قطر در زمان محمد مرسی کمک‌های بلاعوض قابل توجهی به مصر





ائتلاف‌سازی عربی - عبری نیز به ظهور اتحادها و ائتلاف‌های جدید یا تقویت اتحادها و ائتلاف‌های موجود منجر خواهد شد.

هر چقدر سعودی‌ها و صهیونیست‌ها در مسیر برقراری رابطه و همکاری‌های مشترک حرکت کنند، چند برابر آن، جنبش‌های مقاومت فلسطینی به تقویت رابطه و همکاری با ایران متمایل و ترغیب می‌شوند. از آنجا که صهیونیست‌ها در عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی انتظار دارند سعودی‌ها قدم‌های بلندی برای حل مناقشه فلسطین به نفع رژیم صهیونیستی بردارند، گروه‌های مقاومت فلسطینی با درک این واقعیت، با قطع امید از دولت‌های عربی، به ناچار به تنها قدرت یا تنها ائتلاف حامی مقاومت فلسطین متکی خواهند شد. به عبارت دیگر، همگرایی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی به همگرایی گروه‌های مقاومت فلسطینی و جبهه مقاومت و انسجام محور مقاومت منجر خواهد شد.

شرایطی که پس از تحولات کشورهای حوزه عربی بر منطقه حاکم شد باعث سردی روابط جبهه مقاومت و حماس شد. در شرایطی که از یک سو پیروزی اخوانی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری مصر و به قدرت رسیدن محمد مرسی نوید بخش آینده‌ای درخشان برای جنبش اخوان المسلمین بود و از سوی دیگر پیروزی‌های میدانی معارضین مسلح در سوریه در سال‌های اولیه بحران، برخی را نسبت به قدرت‌یابی اخوان المسلمین در سوریه امیدوار کرده بود و حزب اخوانی عدالت و توسعه در ترکیه نیز برای نقش‌آفرینی در همه معادلات و تحولات منطقه به خصوص حوزه عربی دورخیز بلندی را انجام داده بود، حماس تاکتیک‌ها و راهبردهای خود را بر اساس نزدیکی و هماهنگی راهبردی با اخوان المسلمین مصر، ترکیه و سوریه و دولت قطر که خود را حامی

کرد و حاکم پیشین قطر، مصر تحت حکومت اخوانی‌ها را برادر بزرگ جهان عرب نامید که قدرتش حاکی از توانمندی همه اعراب است. البته حمایت قطر از اخوان المسلمین بیشتر در راستای نفی قدرت عربستان، خروج قطر از سایه قدرت و نفوذ سعودی‌ها و ایفای نقش فعال در سطح منطقه ارزیابی می‌شود.

اخوان المسلمین نشان می‌دهد اتخاذ نمود و به همین دلیل از محور مقاومت که به صورت مغرضانه هلال شیعی نامیده می‌شود فاصله گرفت.

حماس در رویکردی که پس از اوج‌گیری اخوانی‌ها در منطقه اتخاذ کرد بر اساس هویت و غیریت ایدئولوژیک (اخوانی) و سیاسی‌اش مواضعی را علیه حامیان سابق خود در محور مقاومت تعریف کرد. مواضع و اقداماتی که رنجش حامیان حماس که در طی چهار دهه گذشته از هیچ اقدامی در جهت تحقق آرمان فلسطین مضایقه ننموده‌اند را به دنبال داشت. حماس اخوانی، بی‌محابا به انتقاد از نظام سوریه پرداخت زیرا بخشی از معارضة را اخوان المسلمین سوریه تشکیل می‌دادند و مصر به ریاست محمد مرسی و ترکیه و قطر که هلال اخوانی را در منطقه تشکیل می‌دادند درصدد براندازی نظام سوریه بودند.

اما سرنوشت اخوان مصر و معارضین سوری به گونه‌ای دیگر رقم خورد و دولت اخوانی ترکیه نیز در تنگناهای داخلی گرفتار آمد. محمد مرسی با اعتراضات بخشی از مردم و مداخله ارتش برکنار و دستگیر شد و متهم به جرائم متعدد گردید و درحالی که برای تعداد زیادی از اعضای اخوان حکم اعدام در نظر گرفته شده است، اخوان المسلمین مصر به عنوان یک گروه تروریستی معرفی و فعالیت آن در مصر ممنوع اعلام گردید. نظام سوریه نیز توانست با حمایت محور مقاومت به تدریج بر اوضاع مسلط شود به نحوی که در حال حاضر خطر سقوط نظام سوریه به طور کلی برطرف شده است و معارضین مسلح دوران افول خود را می‌گذرانند. در مقابل، سعودی‌ها و برخی دیگر از کشورهای مؤثر در حوزه عربی، درصدد عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی و مجبور کردن تشکیلات خودگردان به پذیرش صلح تحمیلی و نابودی یا بی‌اثر کردن گروه‌های فلسطینی برآمده‌اند. در چنین شرایطی حماس به منظور تداوم حیات خود و پیگیری آرمان مشترک اسلامی که همان آزادی قدس شریف و احقاق حقوق فلسطینیان است ناگزیر از تقویت روابط خود با جبهه مقاومت و محور مقاومت می‌باشد.



گرم شدن روابط حماس و جبهه مقاومت از نگرانی‌های اصلی صهیونیست‌ها می‌باشد. روزنامه‌ها آرتص در اوایل بحران سوریه در گزارشی پیش‌بینی کرد موضع حماس نسبت به مسئله سوریه تغییر خواهد کرد. این روزنامه ترمیم روابط حماس و ایران و بازگشت این روابط به شرایط پیش از بحران سوریه را تهدیدی علیه امنیت ملی رژیم صهیونیستی ارزیابی کرد؛ به نحوی که ایران بار دیگر به یکی از قدرت‌های اصلی تأثیرگذار بر مسئله فلسطین تبدیل خواهد شد (زارعان، ۱۳۹۳: ۱۰۹-۱۱۱).

۳-۵. بطلان اتهامات وارد شده به جبهه مقاومت در خصوص طایفه‌گرایی

پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، جبهه‌ای متشکل از کشورهای عربی مانند مصر، سوریه، اردن و با حمایت کشورهایمانند عربستان، ترکیه و عراق علیه این رژیم تشکیل شد. جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ نتیجه رویارویی محور عربی - اسلامی علیه اشغال‌گری رژیم صهیونیستی بود. در نتیجه پیمان کمپ دیوید که در سال ۱۹۷۸ منعقد شد، انور سادات رئیس‌جمهور مصر، موجودیت رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت. همچنین در سال ۱۹۹۳، بر اساس معاهده اسلو، یاسر عرفات نیز دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت. این در حالی بود که تا قبل از این تاریخ، هیچ‌کدام از کشورهای عربی موجودیت دولتی به نام اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناختند و اسرائیل را یک رژیم غاصب می‌دانستند. بعد از آن، روند عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی عمده‌تاً به صورت پنهانی دنبال می‌شد. این روند که در سال‌های اخیر سرعت گرفته جبهه مقاومت را به بزرگترین بازیگر دولتی حامی آرمان آزادی قدس شریف تبدیل کرده است. این در حالی است که در جریان بحران سوریه و یمن، رسانه‌های دشمن، تبلیغات وسیعی را علیه جبهه مقاومت به راه‌انداختند و ایران را به اتخاذ رویکرد طایفه‌گرایانه در پرونده‌های منطقه‌ای متهم کردند و تلاش کردند از این طریق، چهره ایران را در جهان اسلام مخدوش کنند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین سیاست

جمهوری اسلامی در حمایت از کشورها و جریان‌های سیاسی اعلام کردند که عوامل قومی و مذهبی هیچ تأثیری در این رابطه ندارد و ملاک اصلی، حمایت و دفاع از مظلوم است. «ما در حمایت از مظلوم، نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کنیم و نکردیم؛ خط امام بزرگوار این بود. امام همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، همان رفتار را با مقاومت سنی در فلسطین [هم] داشت؛ بدون هیچ تفاوتی. ما همان حمایتی را که از برادران‌مان در لبنان کردیم، از برادران‌مان در غزه [هم] کردیم؛ بدون هیچ تفاوتی. آنها سنی بودند، اینها شیعه‌اند. مسئله برای ما، دفاع از هویت اسلامی است، حمایت از مظلوم است، مسئله فلسطین است. امروز در رأس مسائل منطقه مسلمان‌ها، مسئله فلسطین است و این برای ما مسئله اصلی است. در دشمنی‌های ما هم فرق نمی‌کند؛ امام بزرگوار مبارزه کرد با محمدرضای پهلوی که شیعه بود به حسب ظاهر؛ همان‌طور مبارزه کرد با صدام حسین که سنی بود به حسب ظاهر. البته نه او شیعه بود نه این سنی؛ هردوی‌شان از اسلام بیگانه بودند؛ اما ظاهر این سنی بود، ظاهر او شیعه بود. امام با هردوی اینها یک‌جور مبارزه کرد. مسئله، مسئله سنی و شیعه و مذهب و مانند اینها نیست. مسئله، مسئله اصول اسلام است، کونوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا. این دستور اسلام است. این راه ما است، این خط ما است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۵/۲۶).

مقام معظم رهبری در مبارزه با رژیم صهیونیستی، استراتژی مشخصی را تبیین کردند. ایشان با ارائه یک تعریف وسیع از مقاومت اعلام کردند که جمهوری اسلامی ایران از هر کشور یا سازمانی که علیه رژیم صهیونیستی مبارزه کند، حمایت می‌کند: «بعد از این هم هر جا، هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این حرف نداریم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). تداوم سیاست اصولی حمایت از فلسطین از سوی جبهه مقاومت، به تقویت جایگاه و نفوذ جبهه مقاومت در جهان عرب و جهان اسلام و بطلان اتهامات وارد شده به ایران



مبنی بر «اتخاذ رویکردهای طایفه‌گرایانه در منطقه» منجر خواهد شد.

۶. نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی و عربستان هیچ‌گاه شرکای راهبردی برای یکدیگر محسوب نمی‌شدند. جایگاه عربستان در جهان اسلام و جهان عرب، این کشور را از هرگونه رابطه آشکار با رژیم صهیونیستی بازمی‌داشت و مانع مهمی در مسیر عادی‌سازی روابط بین این دو رژیم محسوب می‌شد. سیاست خارجی عربستان سعودی در تاریخ تأسیس این رژیم، ایجاد موازنه علیه منبع تهدید از طریق اتحادسازی و ائتلاف‌سازی بوده است. بر مبنای همین اصل، سعودی‌ها با قدرت‌های بین‌المللی (آمریکا) و کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای وارد شراکت راهبردی در ابعاد مختلف می‌شدند. اما در اثر حوادثی که در یک دهه اخیر به وقوع پیوسته عربستان با صحنه‌ای جدید روبه‌رو شده که در آن، موازنه قدرت و تهدید در منطقه به ضرر سعودی‌ها به سرعت در حال تغییر است. از این رو، سعودی‌ها تلاش می‌کنند از طریق تغییر آرایش سیاسی-امنیتی گذشته و یارگیری‌های جدید، شرایط را به نفع خود تغییر دهند. بهترین بازیگری که می‌تواند عربستان را در این رویارویی جدید یاری دهد و از انگیزه بسیار بالایی برای این شراکت راهبردی برخوردار است رژیم صهیونیستی می‌باشد. صهیونیست‌ها نیز تلاش می‌کنند با استفاده از استیصال استراتژیکی و ژئوپلیتیکی که سعودی‌ها دچار آن شده‌اند، محوری قدرتمند علیه جبهه مقاومت به عنوان بزرگترین دشمن خود تشکیل دهند.

بر اساس تئوری استفن والت، مهم‌ترین عاملی که از یک سو عربستان سعودی را نسبت به سرعت بخشیدن به روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی متقاعد کرده و از سوی دیگر صهیونیست‌ها را به شراکت راهبردی با عربستان، هر چند به صورت پنهانی متمایل نموده است ایجاد موازنه تهدید علیه جبهه مقاومت می‌باشد. همچنین با توجه به افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران در



سال‌های اخیر و تغییر موازنه قوا به نفع محور مقاومت، عربستان سعودی تلاش می‌کند از طریق ائتلاف‌سازی منطقه‌ای، چارچوب موازنه قدرت شکل گرفته را تغییر دهد. به این ترتیب می‌توان گفت درک مشترک از تهدید، نیاز به همگرایی به دلیل احساس افزایش تهدید، ایجاد موازنه علیه قدرت هژمون، رویکرد غیرمتوازن آمریکا در منطقه و سیاست‌های خاورمیانه‌ای ترامپ عواملی هستند که منجر به سرعت گرفتن روند همگرایی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر شده است.

هیچ یک از تحولاتی که دارای ابعاد و آثار استراتژیکی هستند به صورت مطلق، تهدید یا فرصت به شمار نمی‌روند بلکه این گونه تحولات به صورت توأمان تهدیدزا و فرصت‌آفرین می‌باشند. عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی، تهدیدها و فرصت‌هایی برای جبهه مقاومت ایجاد کرده است. افزایش ضریب تهدید علیه جبهه مقاومت، افزایش سطح منازعه به دلیل ناتوانی عربستان و رژیم صهیونیستی در مدیریت منازعه و سرعت گرفتن روند سازش سه تهدید عمده‌ای هستند که عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی برای جبهه مقاومت به وجود آورده است. در مقابل، افزایش نفوذ گفتمان مقاومت در جهان اسلام، همگرایی بیشتر جبهه مقاومت و جنبش‌های مقاومت فلسطینی و بطلان اتهامات وارد شده به جبهه مقاومت در خصوص طایفه‌گرایی فرصت‌های جبهه مقاومت در این روند هستند. بنابراین، لازم است استراتژی‌های مناسب، کارآمد و واقع‌بینانه‌ای جهت مقابله مؤثر با تهدیدها و بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها تدوین شود.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵) کالبد شکافی تهدید، تهران: دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- اقتصاد نیوز (۱۳۹۶) سود و زیان عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل برای ایران/ رویارویی محور تهران و ریاض، قابل دسترسی در <https://www.eghtesadnews.com/۱۹۵۷۵۳>
- العالم (۱۳۹۶) سال ۲۰۱۷، سال سبقت عربستان، امارات و بحرین در عادی سازی روابط با اسرائیل، قابل دسترسی در: <http://fa.alalam.ir/news/۳۲۵۹۰۷۱>
- الوقت (۱۳۹۶) افشای روابط سری عربستان و اسرائیل توسط روزنامه سوئسی: قابل دسترسی در: <http://alwaght.com/fa/News/۱۲۱۲۳۱>
- ایرنا (۱۳۹۶) عربستان اجازه پرواز به هواپیماهای عازم تل آویو را توجیه کرد، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۸۵۵۶۲۴>
- ایسنا (۱۳۹۶) یک سایت اسرائیلی فاش کرد؛ سفر محرمانه ولیعهد عربستان به تل آویو، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/۹۶۰۶۲۰۱۱۵۱۱>
- بی بی سی فارسی (الف) (۱۳۹۷) ولیعهد عربستان: اسرائیلیان حق زندگی صلح آمیز در کشورشان را دارند، قابل دسترسی در: www.bbc.com/persian/world-۴۳۶۲۵۲۴۳
- بی بی سی فارسی (ب) (۱۳۹۷) بن سلمان: عربستان و اسرائیل دشمن مشترکی دارند، قابل دسترسی در: www.bbc.com/persian/world-۴۳۶۵۷۸۲۸
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۰) بیانات در نماز جمعه تهران، ۱۴ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۹۲۳>
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۴) بیانات در دیدار مجمع جهانی اهل بیت (ع) و اتحادیه رادیو و تلویزیون های اسلامی، ۲۶ مرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۱۲۹۸>
- خبرگزاری صدا و سیما (۱۳۹۶) افشای سند محرمانه برای برقراری روابط عربستان با اسرائیل، قابل دسترسی در: <http://www.iribnews.ir/fa/news/۱۸۹۸۴۴۷>
- زارعان، احمد (۱۳۹۳) آسیب شناسی رابطه حماس با محور مقاومت بعد از تحولات حوزه عربی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۷، بهار.
- فرارو (۱۳۹۶) سه هدف عربستان از ارتباط با اسرائیل، قابل دسترسی در: <http://fararu.com/fa/news/۳۳۷۳۵۷>
- فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۹۶) سه هدف عربستان از ارتباط با اسرائیل، قابل دسترسی در:



<http://fararu.com/fa/news/۳۳۷۳۵۷>

- قوام، سید عبدالعلی و همت ایمانی (۱۳۹۰) نظریه رئالیستی در روابط بین‌الملل، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی

- مشرق نیوز (۱۳۹۶) مهم‌ترین دستاورد سفر ترامپ به عربستان و اسرائیل، قابل دسترسی در:

<https://www.mashreghnews.ir/news/۷۲۹۵۰۰>

- منوری، سیدعلی و بنفشه رستمی (۱۳۹۶) بازسازی ائتلاف‌های آمریکا در حوزه عربی خلیج فارس، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۲، تابستان.

- میلر، ری (۱۳۹۶) ائتلاف‌های امنیتی عربستان سعودی؛ آیا ریاض می‌تواند بر خاورمیانه مسلط شود؟،

ترجمه فهیمه قربانی، قابل دسترسی در: <http://www.faratab.com/news/۷۰۲۷>

- والت، استفن (۱۳۹۶) آمریکا برای حفظ منافعش باید به سراغ ایران برود، قابل دسترسی در:

<https://www.isna.ir/news/۹۶۰۳۲۱۱۹۳۴>

- هژبری، محمد علی (۱۳۹۶) موازنه تهدید؛ راهبرد سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه، قابل

دسترسی در: <http://www.iirjournal.ir/index.php/fa/۱۲۷۸>

- همیانی، مسعود (۱۳۹۴) تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، پیاپی ۱۱۳، بهار.

- هویدی، فهمی (۱۳۹۶) پشت پرده سفر تاریخی رئیس‌جمهوری آمریکا، سفر ترامپ فقط به سود

اسرائیل بود، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/۱۹۶۹۲۶۲>

- یورونیوز (۲۰۱۷) نخستین سفر خارجی ترامپ با عربستان آغاز شد، قابل دسترسی در:

<http://fa.euronews.com/۲۰۱۷/۰۵/۲۰/trumps-arrive-in-saudi-arabia-for-president-s-first-foreign-tour>

(ب) منابع لاتین

- Holsti, Hoppman and Sullivan (۱۹۷۳) *Unity and Disintegration in International Alliances: Comparative Studies*. New York: John Wiley & sons
- Kissinger, Henry (۲۰۱۴) *Iran, A Bigger Problem Than ISIS*, Retrieved from: <http://www.huffingtonpost.com/۲۰۱۴/۰۹/۰۶/henry-kissinger-iran-isis-n-۷۷۷۷۰۶.html&rct>
- Liska, George (۱۹۶۸) *Nation In Alliances, the limits Of Interdependence*, paperback. Edition, Baltimore
- Luomi, mari (۲۰۰۸) *sectarian Identities or Geopolitics? The Regional Shia-Sunni Divide in The middle East*, The Finnish Institute of International Affairs
- Mcclla, Robert B. (۱۹۹۵) *NOTO'S Persistence After The Cold War*, International Organization, Vol. ۵۰, No. ۳, summer, pp. ۴۴۵-۴۷۵



- Snyder, Glenn H. (۱۹۹۷) Alliance Politics, New York: Cornell University Press, Ithaca.
- Walt, Stephen M. (۱۹۸۵) Alliance Formation and the Balance of Word Power, International Security, Vol.۹, No.۴, Spring, pp.۳-۴۲
- Walt, Stephen M. (۱۹۸۷) the Origins of Alliances, Ithaca, New York press
- Walt, Stephen M. (۲۰۱۰) Balancing Threat: The United State and the Middle East. An Interview with Stephek M. Walt, Yale Journal of International Affairs, spring/summer

